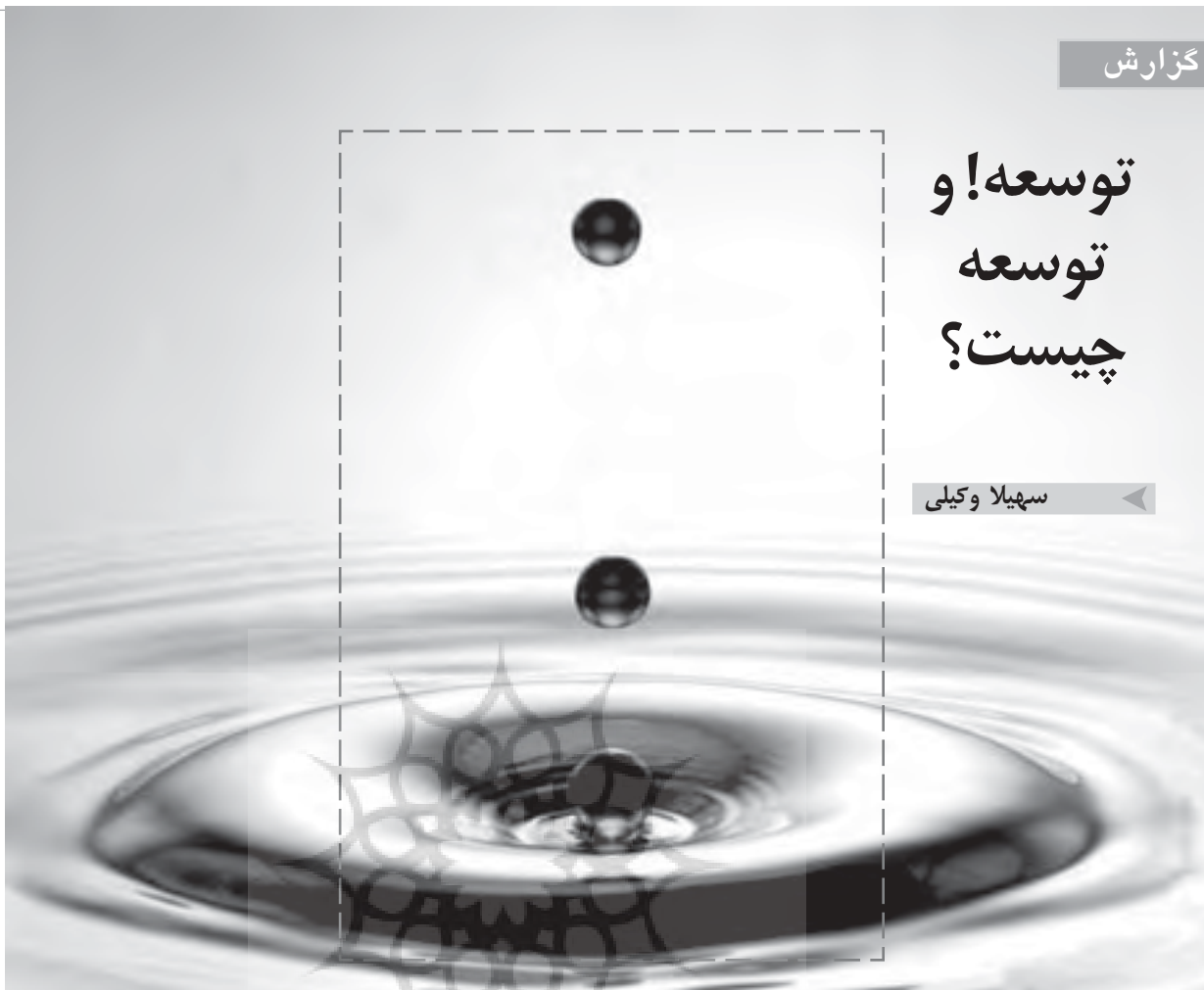


توسعه! و توسعه چیست؟

سهیلا وکیلی



بهزاد لامه‌ای کارشناس امور اقتصادی با تعریفی از توسعه می‌گوید: کشوری که در فرآیند توسعه قرار می‌گیرد ابتدا ظرفیت‌های بالقوه‌ای دارد، در جریان تولید و سرمایه‌گذاری قرار می‌دهد و آن را به این مسئله اضافه می‌کند. او می‌گوید حرکتی که در کشور ما در حال سیر است، گرایش و نیل به توسعه است و هر عملی که بتواند ما را در رسیدن به این هدف یاری دهد بر فرآیند توسعه قرار می‌گیرد. نفت نیز با ایجاد درآمد می‌تواند ما را در فرآیند توسعه یاری کند.

این کارشناس امور اقتصادی در جواب به این سؤال که درآمدهای حاصل از فروش نفت چه تاثیری بر توسعه اقتصادی کشور داشته است، به اندوخته حاصل از این ثروت اشاره می‌کند و می‌افزاید: نباید فراموش کنیم که این ثروت تنها اندوخته نسل امروز و فردا است و باید از این ثروت به بهترین نحو استفاده کنیم تا خدای ناکرده حقی از نسل آتی ضایع نشود.

او در ادامه، دیدگاه‌های متفاوتی را برای برداشت از مازاد نفت و سرمایه حاصل از نفت بیان می‌کند و می‌گوید: برخی بر این باورند که

بهتر است سرمایه و سود حاصل از فروش نفت را به‌عنوان سرمایه اصلی، سرمایه‌گذاری کرده و درآمد را بالا ببریم و برخی دیگر بر این باورند که از این سرمایه در خارج از کشور سرمایه‌گذاری کرده و بهره ببریم.

این کارشناس اقتصادی از سال‌های ۱۳۵۲ و ۱۳۵۳ به‌عنوان دوره تجربه‌گرایی عمرانی و منابع یاد می‌کند و می‌افزاید: در آن سال‌ها براساس برنامه‌ای کل پروژه‌های قبل از انقلاب متحول شد و چند برابر درآمد نفت را تزریق کردند و ماحصل آن تورم بالا در سال‌های ۵۶ و ۵۷ بود. وی مشکل حال حاضر را مشابه بیماری هلندی ذکر کرد که یک نوعی بیماری اقتصادی است، و ناشی از تزریق درآمد زیاد مالی در اقتصاد کشور به وجود آمده است. او معتقد است: اگر بیش از جذب اقتصاد، منبع تزریق کنیم، این تزریق خود را به صورت افزایش تقاضا نشان خواهد داد. از سوی دیگر در عرضه، تحرک بسیار کمتر و ماحصل آن نیز فشار تقاضا است که خود را نشان می‌دهد.

در بحث عرضه، ظرفیت بالقوه‌ای برای رشد هست. در اقتصاد

نفت این جایگزین‌ها مقرون به‌صرفه است که به بازار عرضه نیز می‌آید. بعد از مدتی، شاید شاهد این باشیم که این عرضه‌ای که ناشی از مقرون به‌صرفه بودن بهای نفت است وارد بازار شود و این مسئله خود باعث کاهش قیمت نفت می‌شود.

این کارشناس در پاسخ به اینکه آیا در کشور ما بُعد توسعه، بُعد ساختاری یا فیزیکی است؟ جواب این سؤال را منفی می‌داند و معتقد است: ما در حال حاضر به بسیاری از ساختارهای فیزیکی مجهز هستیم، اما در نرم‌افزار مشکل داریم و این نرم‌افزار از نواقص مدیریت و دانش و دانایی ملی نشأت می‌گیرد. او این بحث را یکی از مباحث مهم در برنامه توسعه اقتصادی می‌داند که به آن تاکنون توجه نشده و فضا سازی لازم نیز برای آن ایجاد نشده است.

حال باید چنین تحلیل کرد که این درآمد حاصل از نفت چگونه می‌تواند این خلاء نرم‌افزاری موجود در اقتصاد را جبران کند و چه بخشی از درآمد نفت را باید به آن اختصاص داد؟

درآمد نفت و مایحتاج اقتصاد

بهبود لامه‌ای در پاسخ به سوال مذکور به زمان استفاده از این درآمد و برقراری نسبت لازم بین اقتصاد و مایحتاج اقتصاد کشور و درآمد حاصل از نفت اشاره می‌کند و می‌گوید: برای این منظور شاید بتوان از پروژه‌های عمرانی اولویت‌بندی شده نام برد. مثلاً چه میزانی از این مبلغ را به پروژه‌های در حال احداث اختصاص دهیم و یا چه زمان این درآمد را به پروژه‌های تازه و در حال تأسیس اختصاص دهیم. این مسئله در سطح تصمیم‌گیری کشور دچار مشکل شده است. ما اکنون به دنبال افتتاح و اجرای پروژه‌های جدید هستیم تا اتمام پروژه‌ها. برای انجام چنین کاری در یکی از تبصره‌های لایحه بودجه سال ۸۶ پیشنهاد شده بود که اولویت‌بندی پروژه‌های عمرانی صورت بگیرد. این کارشناس در ادامه می‌گوید: درآمد حاصل از صدور نفت به خزانه دولت برمی‌گردد و دولت تصمیم می‌گیرد به چه شکلی این را در ساختار اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور تزریق و به چه ترتیبی اولویت‌بندی کند، اما آیا مشکل ما اجرای پروژه‌های عمرانی یا سرمایه‌گذاری برای احداث و یا سرمایه‌گذاری برای گردش است؟

بحث مهم ظرفیت موجود است. یک کارخانه برای تولید مقادیر مشخصی ساخته می‌شود. اگر بیش از توان تولید یک کارخانه و دستگاه‌های آن از کارخانه انتظار داشته باشیم، کار به جایی نخواهد رسید مگر اینکه زیرساخت آن کارخانه و یا به عبارتی ظرفیت‌های آن کارخانه را بالا ببریم.

این کارشناس امور اقتصادی در جواب به چند و چون ایجاد صنایع سنگین و صنایع مادر در کشور چنین می‌گوید: آیا ایجاد صنایع بزرگ و مادر تنها نیاز مالی است؟ او از بازاریابی موفق برای این صنایع به‌عنوان پیش‌سراول نام می‌برد و می‌گوید: آیا همه ما به این مهم برای این امر مجهز هستیم؟ ما این را در دوره قبل از انقلاب نیز تجربه کرده‌ایم. ما صنایع سنگین را وارد کردیم، اما اکنون صحبت بر سر بهره‌وری عوامل تولید است.

او از دانش و دانایی ملی به‌عنوان یک رکن اساسی نام می‌برد و می‌گوید: مقوله عرضه شده نیاز سخت‌افزاری ندارد، بلکه نرم‌افزاری، گرایش‌های متعدد و خواسته‌هایی دارد. از لحاظ سخت‌افزاری نمی‌توان به رشد دلخواه رسید، بلکه باید به دانش و دانایی و توان مدیریتی بالا مجهز باشیم.

این کارشناس امور اقتصادی معتقد است: یکی از موانع تولید، مسئله فقدان مدیریت دانش محور یا مدیریت نوین به پدیده‌ها و تحولات اقتصادی است. او می‌گوید: باید رابطه بین نرخ بهره و تورم را تحلیل

و بحث‌های مدیریتی را مطرح و شاخص‌بندی کرد. بحث‌های کلان سال‌ها است در کشور مطرح می‌شود و شاید هم نتیجه مطلوبی را گرفته، اما ابزارهای این بحث کلان و یا به عبارتی ابتدایی‌ترین روش‌ها اکنون جای بحث و تامل دارند و باید به آنها اندیشید.

این کارشناس اقتصادی در خصوص افزایش قیمت نفت و مدت زمان این سیر صعودی و تاثیر آن بر افزایش بهای مواد اولیه و محصولات صنعتی در جهان می‌گوید: در دنیای اقتصاد اگر چیزی بالا رفت به سرعت باید جایگزینی برای آن یافت. اکنون قیمت نفت سیر صعودی به خود گرفته است، شاید در برخی از حوزه‌های نفتی مسائلی بود که مقرون به‌صرفه نبود. اما اکنون با این قیمت

برخی بر این باورند که
بهتر است سرمایه و
سود حاصل از فروش
نفت را به عنوان سرمایه
اصلی، سرمایه‌گذاری
کرده و درآمد را بالا
ببریم و برخی دیگر بر
این باورند که از این
سرمایه در خارج از
کشور سرمایه‌گذاری
کرده و بهره ببریم

بانک‌ها و نقش آنها در ایجاد سرمایه و تجهیز صنایع

بهزاد لامه‌ای در جواب به اینکه بانک‌ها چگونه می‌توانند و آیا اصلاً می‌توانند در توزیع این سرمایه و احداث صنایع نقش بسزایی داشته باشند، به چگونگی این تخصیص و نحوه عملکرد بانک در قبال این سرمایه اشاره می‌کند و می‌گوید: بهترین اقدامی که دولت می‌تواند انجام دهد، این است که این سرمایه را از طریق بانک به بهره‌برداری برساند، اما به شرط آنکه دست بانک‌ها را نیز آزاد بگذارد و تمامی امور را به بانک‌ها محول نکند، بلکه کنار بانک‌ها، نهادها یا سازمان‌های خصوصی فعال نیز به کمک بانک‌ها بستانند. او در توضیح این مسئله چنین ادامه می‌دهد: ما شاهد بودیم که

ما در حال حاضر به بسیاری از ساختارهای فیزیکی مجهز هستیم، اما در نرم‌افزار مشکل داریم و این نرم‌افزار از نواقص مدیریت و دانش و دانایی ملی نشأت می‌گیرد

در برخی بانک‌ها منابع بانک به پروژه‌هایی اختصاص می‌یابد که هیچ‌گونه توجیه فنی، مالی و اقتصادی ندارند.

او از تجربه بانک اقتصاد و معدن در سال‌های گذشته یاد می‌کند و می‌گوید: در سال‌های گذشته به هنگام تأسیس این بانک، این بانک ملزم بود تنها به طرح‌هایی اعتبار دهد که این ۳ واژه فنی، اقتصادی و مالی را به طور کامل بررسی کند. آن زمان هر شرکتی یا واحدی که در حال احداث بود، باید این سه عامل را به طور کامل در پروژه خود لحاظ می‌کرد تا بتواند موفق به اخذ وام یا اعتباری از بانک‌ها شود.

او می‌گوید: گاهی واحدهایی به بانک مراجعه می‌کردند که هر کدام ۳ جزوه مجزایی برای توجیه پروژه از حیث مالی، اقتصادی و فنی در دسترس داشتند و برای بانک کاملاً محرز می‌شد که آیا این پروژه می‌تواند از لحاظ مالی بازپرداخت وام را داشته باشد یا نه؟ و یا اینکه این طرح ارائه شده از لحاظ اقتصادی برای اقتصاد کشور و یا منطقه مربوطه نیاز است یا نه؟ اما اکنون ما بانک‌ها را وادار کرده‌ایم طرح‌هایی را بپذیرند که فاقد این ویژگی‌ها هستند. یک بانک اگر نتواند تجهیز منبع کند، و تخصیص آن هم بدون توجه به منابع مالی، اقتصادی و فنی باشد، محصل آن چنین خواهد بود که ما اکنون می‌بینیم.

وی بانک مرکزی را یکی از سالم‌ترین شبکه‌ها برای سرمایه‌گذاری می‌داند و معتقد است که دولت می‌تواند برای اقتصاد از این طریق سرمایه‌گذاری کند. اما شرط لازمه را آزادگذاشتن بانک‌ها

و با نظارت بانک مرکزی بیان می‌کند و می‌گوید: با این طرح می‌توان از کانال مطمئنی طرح‌هایی را پی‌ریزی کرد که توسط بخش خصوصی به بهره‌برداری می‌رسد و می‌تواند خود را در یک دوره ۳ تا ۵ ساله به چرخه تولید برساند و از این طریق می‌توان فشار ناشی از دوره اجرایی طرح را پر کرد.

این کارشناس اقتصادی در جواب به چگونگی اعمال نظارت از طریق بانک به پروژه‌های اقتصادی، به وجود آمدن برخی نهادها یا مشاوره‌های اقتصادی همراه بانک‌ها اشاره می‌کند و وجود آنها را برای ارزیابی پروژه‌ها و نظارت بر کار پروژه‌ها لازم می‌داند و می‌گوید: باید نهاد یا مرکزی کنار بانک و همراه بانک وجود داشته باشد که ناظر بر طرح‌هایی

باشد که قبلاً صلاحیت این پروژه را از ۳ طریق ارزیابی فنی، اقتصادی و مالی برآورد کرده است. این نهاد موظف است در کنار بانک از لحاظ فنی صلاحیت این پروژه را ارزیابی کند، از لحاظ اقتصادی بسنجد که آیا این پروژه به لحاظ اقتصادی آن منطقه مقرون به صرفه است یا نه؟ و به لحاظ مالی آیا توان بازپرداخت اقساط را دارد یا نه؟

حال این نهاد یا سازمان برای رسیدن به این مبدأ نیز باید توسط سازمانی یک رتبه علمی نیز بگیرد. همانند جامعه حسابداران خبره که امضای آنان نیز از طرف وزارت امور اقتصادی و دارایی و سازمان مدیریت قابل تأیید است که اگر طرحی از این سازمان بیاید و امضای این مرکز بر آن طرح باشد، نشان‌دهنده این است که این طرح قبلاً ارزیابی شده و می‌تواند وام بگیرد.

او وجود عقود مشارکتی بین بانک و سرمایه‌گذار را امری مهم می‌داند که به دنبال آن باید بانک خود را ملزم به رعایت ۳ ویژگی توجیه اقتصادی، مالی و فنی بداند و در این خصوص می‌افزاید: این امر لزوماً به معنای دخالت مستقیم بانک نیست، بلکه بانک به همراه یک مشاور یا ناظر و یا نهاد مشخص در کنار خود می‌تواند به این ارزیابی برسد.

نفت موهبتی الهی

یکی از علل توسعه نیافتگی در بسیاری از مکاتب اقتصادی، کمبود منابع است. حالا با درآمدهای حاصل از فروش نفت، در واقع این سرمایه برای ما حاصل شده است. طبیعت، این سرمایه را بدون زحمت در

اختیار ما قرار داده است، ولی در عمل خیلی از کشورهای توسعه نیافته این سرمایه و موهبت الهی را درست مصرف نمی کنند. وقتی درست مصرف نشود، پیامد آن هم دامنگیر اقتصاد کشور می شود. منابع طبیعی بحث خیلی گسترده ای است که برخی از کشورها از پول نفت سیاست های مخربی را اعمال می کنند. ولی برخی از کشورها برای رفاه مردم پول نفت را صرف واردات کالا و فشار ناشی از تورم می کنند و اینکه مردم بتوانند از موهب زندگی بهتر بهره مند شوند، که این امر نیز خود مسائل و عواقبی را خواهد داشت.

نتیجه ای که خواهیم گرفت، این است که ما در کشور خود نیاز به سرمایه گذاری داریم و سرمایه گذاری نیاز به خرید ارز خارجی برای خرید برخی تخصص ها و کارخانه ها و ارزی که برای توسعه اقتصادی کشور لازم است، دارد. افزایش پول نفت بهترین فرصت را برای ما فراهم می کند که آنچه ما نیازمندیم، به جای این که سرمایه گذار خارجی بیاید و با تحمیل، سود را ببرد، ما بدون سود آن را به دست آوریم. پس ما باید در خرج این سرمایه کمی هوشمندتر باشیم.

تبدیل پول نفت به ریال و هزینه کردن آن در داخل کشور، مشابه چاپ اسکناس است. به همان نسبت هم روی تورم داخلی اثر می گذارد و آن را تشدید می کند. بنابراین، آن راهی خیلی منطقی است که تلاش شود آن در داخل تبدیل به اسکناس و ریال نشود که تقاضای داخلی را افزایش دهد. یکی از راه های خوبی که پیشنهاد شده بود، صندوق ذخیره ارزی بود که ما از صندوق ذخیره ارزی، ارز مورد نیاز پروژه های صنعتی را وام دهیم. مثل خرید ماشین که حتماً خریدار ماشین باید قیمت ریالی آن ارز را به بانک مرکزی بدهد که با این کار این ارز خارجی صرف توسعه برخی زیرساخت های توسعه اقتصادی و تولیدات کشور شده است. به علاوه آنکه بانک مرکزی مقداری ریال را از راه فروش جمع کرده است. بنابراین، روی تورم داخلی اثر ندارد. همچنین می تواند مطالبه کننده تورم داخلی باشد، ولی اگر مسیر عوض شود و از این سرمایه برای خرج های روزمره و پرداخت پرستاران و ... برداشت شود، این در واقع شبیه چاپ اسکناس است که با افزایش نقدینگی در کشور پیامدهایی را برای کشور ایجاد خواهد کرد. پس در پول نفت خیلی عاقلانه تر می توان عمل کرد. این استاد دانشگاه در ادامه یادآور می شود: ما کشور پهناور و بزرگی داریم که برای تأمین کالاهای سرمایه ای در کشور به شدت نیازمند ارز خارجی هستیم که اگر چنین کاری کنیم، در واقع از موهب پول نفت استفاده کرده ایم و اجازه نداده ایم تورم ناشی از تبدیل پول نفت را به ریال وارد کشور شود و بزرگترین حسن آن این است که پول نفت را که سرمایه بین النسل و متعلق به نسل های آتی است، صرف

سرمایه گذاری کرده ایم، به عبارت دیگر پول نفت را تبدیل به کارخانه ای کرده ایم که این کارخانه ها می توانند تولید کنند، اشتغال ایجاد کنند و منجر به افزایش درآمد ملی، یا پس انداز ملی شوند و ایجاد چرخه سرمایه گذاری بیشتر در کشور شوند و آیندگان هم از این سرمایه گذاری استفاده کنند.

دکتر بخشی کارشناس اقتصادی در خصوص نوع و نحوه نیازسنجی در کشور و چگونگی آن، به بررسی های دکتر معینی در دانشگاه صنعتی شریف اشاره می کند و می گوید: این خیلی خوب است که برخی به این موارد توجه کنند و اگر مشکلی دارد در پی حل آن مشکل باشند و از این پروژه برای توسعه و شناخت نیازهای داخلی جهت توسعه استفاده کنند. باید بدانیم که در کدام صنعت ما مزیت نسبی یا مزیت مطلق داریم یا اصلاً مزیت نداریم و به همان منبع راه را انتخاب کرد و این سرمایه گذاری را به آن سمت سوق داد.

وی می افزاید: متأسفانه ما این نوع سرمایه گذاری ها را انجام نداده ایم و نمی دانیم که در آینده چه سرمایه گذاری هایی برای کشور لازم است. البته علائمی وجود دارد مثل سرمایه گذاری در صنایع و صنعت پتروشیمی که کاملاً قابل توجه نیز است. چون در واقع ما در چنین صنایعی مزیت کاملی داریم و مواد اولیه را هم داریم و اگر کمی دانش فنی را در این زمینه زیاد و برخی ماشین آلات را وارد کنیم، در واقع می توانیم طرح های توسعه ای داشته باشیم و می توانیم محصول تولیدی خود را بفروشیم.

این کارشناس اقتصادی صنعت فولاد را نیز مشابه صنعت پتروشیمی می داند و می گوید: در مورد صنعت فولاد نیز ما مواد اولیه و سوخت ارزان را نیز داریم. کمتر کشوری هر دو این مواد اولیه فولاد و سوخت ارزان را با هم دارد. ژاپن نه سنگ آهن دارد و نه سوخت ارزان. آنها سنگ آهن را از کشورهای دور دست وارد و سوخت را از کشورهای خاورمیانه تهیه و از این طریق فولاد تولید می کنند و به همه دنیا هم می فروشند. بنابراین، ما می توانیم خیلی بهتر از ژاپن عمل کنیم و موفق تر نیز باشیم، چرا که مواد اولیه و سوخت را داریم و می توانیم روی آن سرمایه گذاری بلندمدت انجام دهیم. سیمان هم همین طور. ولی باید صنایعی را تفکیک کرد و دید که تا چه اندازه مورد نیاز کشور است و در آینده در جهان چه حرف هایی برای گفتن دارند و از محل صادرات این سرمایه و صنایع، ما در داخل کشور درآمد کسب کنیم. اگر این شود سرمایه گذاری، ارزش های خارجی آن صنایع که برای آینده است، منطقی خواهد بود.

وی در خصوص نفی واردات و یا وابستگی به صنایع و

سرمایه‌گذاری خارجی به این نکته اشاره می‌کند که کشور ما از لحاظ صنایع و صنعت چندان پیشرفته نیست و این مسئله را نمی‌توان کتمان کرد و از طرفی دیگر هم نمی‌توان وقت صرف کرد و در کشور بخواهیم به تکنولوژی دست یابیم. این هم غیرممکن است. برای این که روند رشد جهان به گونه دیگری است. پس ما در جاهایی نیازمند این هستیم که از خارج کمک بگیریم. این کمک از خارج لزوماً بد نیست. به عنوان مثال می‌توان از فولاد و کارخانه‌های فولاد نام برد که ما به تنهایی قادر به ساخت تمامی کارخانه‌های فولاد نیستیم و تکنولوژی ما در این صورت عقب خواهد افتاد و قادر به رقابت با سایر کشورها نخواهد بود.

دکتر بخشی در ادامه می‌افزاید: در مورد واردات کالای سرمایه‌ای می‌توان به دنبال دانش فنی آن نیز بود و به دنبال آن ساختار کشور را طوری سازمان دهیم که کم‌کم به سطوحی از دانش فنی و تکنولوژی در سطح بومی دسترسی داشته باشیم. در حال حاضر راهبرد درست صنعتی و هدف‌گذاری‌های بلندمدت صنعتی مان مشخص نیست. ما به صنایع مختلف از قبیل چرم‌سازی و بیسکویت‌سازی وام می‌دهیم و ... بالاخره یکی از این صنایع در آینده شاید دچار انحلال هم شود. علاوه بر این ما مسئله تجارت جهانی را داریم. وقتی ما بخواهیم در سازمان تجارت جهانی عضو شویم و تعرفه‌ها را کاهش دهیم، متعاقباً خیلی از صنایع ما از بین خواهد رفت. پس چه باید کنیم؟

او به صنایع فولادی و منابع و صنایع معدنی اشاره می‌کند و می‌افزاید: صنایع و منابع معدنی مطلقاً به صنایع پیچیده و دستگاه‌های پیچیده و یا تکنولوژی پیچیده‌ای نیاز ندارند. صنایع معدنی از صنایع قدرتمند کشور ما است که ما می‌توانیم در این صنعت دستگاه‌های بزرگی همچون سنگ‌شکن یا آسیاب یا برش‌سنگ را خودمان بسازیم و نیازی به واردات آن و یا استفاده از خارج نداریم و یا برخی از قطعات مثل گیربکس بزرگ را می‌توان از خارج وارد کرد، چرا که ما مجهز به تکنولوژی آن نیستیم و صرف مالی و برآورد مالی مناسبی برای کشور ندارد که آن را بسازد. پس می‌توان از خارج وارد کرد. یا موتورهای بزرگ که می‌توان آن را

وارد کرد. نباید این طور فکر کنیم که باید در کشور را ببندیم و همه چیز را خودمان بسازیم. ما تا کنون در توسعه صنعتی موفق نبوده‌ایم. لزومی ندارد که الزاماً در این مورد ما بدون کمک از دانش جهانی بخواهیم خودکفا باشیم، چرا که باید از دانش جهانی در این مورد نیز بهره‌مند بود. این وابستگی وجود دارد. در کل دنیا مثل ژاپن که مواد اولیه را از کشورهای دیگر می‌گیرد و به کالای ساخته شده تبدیل می‌کند و آن را به کشورهای دیگر می‌فروشد. اگر خودمان را با ژاپن مقایسه کنیم، شاید وابستگی ما به مراتب کمتر از ژاپن باشد. منتهی این وابستگی منطقی دارد. این نیاز دوطرفه است. ما مجبوریم با جهان تعامل دوطرفه و تعامل مثبت داشته باشیم. ما می‌توانیم صنایع و هدف‌مان را مشخص و روی آنها سرمایه‌گذاری کنیم، دانش فنی بخریم، شریک خارجی بیاوریم، پول خرج کنیم. برای خرید دانش فنی و ماشین‌آلات خاص آن صنعت، کم‌کم خودمان هم یاد می‌گیریم.

نیازهای کشور ما در سرمایه‌گذاری خارجی اولویت دارد
سرمایه‌گذاری خارجی‌ها بد نیست. ولی ما فکر می‌کنیم که کشور ما آن قدر نیاز دارد که پولی برای سرمایه‌گذاری خارجی باقی نمی‌ماند. ایران کشوری است بسیار پهناور و با داشتن همه امکانات و ۷۰ میلیون نفر جمعیت جوان، از این رو ضرورت ایجاب می‌کند که این سرمایه‌گذاری در داخل انجام بگیرد.

در کشور ما باید بحث خصوصی‌سازی به طور جدی پیگیری شود. از آن جایی در کشور ما ساختاری دولتی اگر بحث خصوصی باشد خود آن بخش خصوصی، خود ۵ میلیارد تومان به عنوان مثال سرمایه‌گذاری و آن دانش را وارد می‌کند. چرا که می‌داند بعدها بهترین استفاده را از آن خواهد برد.

کانال توزیع سرمایه، کانال‌های خصوصی‌سازی

دکتر بخشی در جواب به اینکه آیا لزوماً بانک می‌تواند به عنوان کانالی مطمئن برای توزیع این سرمایه و اختصاص بودجه جهت احداث و ایجاد صنایع و کارخانه‌ها اقدام کند، می‌گوید: احتیاجی به کانال خاص یا بانک نیست. خود شرکت خصوصی راه و شیوه سرمایه‌گذاری را پیدا می‌کند.

صنایع معدنی از صنایع قدرتمند کشور ما است که ما می‌توانیم در این صنعت دستگاه‌های بزرگی همچون سنگ‌شکن یا آسیاب یا برش‌سنگ را خودمان بسازیم و نیازی به واردات آن و یا استفاده از خارج نداریم

